

منظومه حماسی عاشورایی مقامات حسینی منشی بمرودی و نسخه‌های خطی آن

عبدالله رادمرد^۱

سید عباس محمدزاده^۲

الیاس رستمپور^۳

درآمد

مقامات حسینی یکی از منظومه‌های حماسی در مورد عاشورا در ادب فارسی است که مرحوم میرزا محمداکبر منشی بمرودی قاینی دبیر دربار نادرشاه افشار، آن را در سال ۱۱۷۰ هـ ق سروده است. این منظومه حدود ۴۳۰۰ بیت دارد، بر وزن و قالب شاهنامه فردوسی. امتیاز این منظومه نسبت به آثار مشابه خود در آن است که برخلاف آنها، نوعی حماسه بوده و لحنی کاملاً حماسی دارد که در هیچ جای آن نشان از تأسف، غم و اندوه نسبت به حادثه کربلا و شهادت امام (ع) و یاران ایشان وجود ندارد. در صورتی که آثار منظوم و منثور درباره قیام عاشورا عموماً نوعی مرثیه درباره مظلومیت و شهادت امام حسین (ع) هستند. این منظومه حماسی، نسخ خطی فراوانی دارد که در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود. کتب تاریخ محلی اغلب از روی هم به اختصار شاعر را معرفی کرده و نامی از منظومه‌اش برده‌اند. نویسندگان این سطور، نسخه‌های این اثر را گردآوری و تصحیح کرده‌اند. این مقاله بر آن است که با استفاده از آثار محدود بیرونی و نشانه‌های درون‌متنی، شاعر، منظومه، نسخه‌ها و ویژگی‌های آن را بررسی کند.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

elyas.rostampoor@gmail.com

شاعران فارسی زبان از گذشته‌های دور به واقعه جانسوز کربلا توجه خاصی داشته و مراثی بلند و کوتاهی درباره آن از خود به جای گذاشته‌اند. «تمامی تاریخ ادبیات‌نویسان نخستین مرثیه عاشورایی را به کسایی مروزی متولد ۳۴۱ هـ ق نسبت داده‌اند.» (حجازی، ۱۳۸۶: ۶۸)^۱

غیر از کسایی، سنایی غزنوی هم اشعاری در رثای امام حسین (ع) سروده است.^۲ به جز این دو شاعر، افرادی چون قوامی رازی متوفای ۵۶۱ ق، ابن یمین، سلمان ساوجی و دیگران نیز اشعاری در رثای امام حسین (ع) سروده‌اند. اما پیدایش و شروع حماسه‌های دینی مقارن است با قرن پنجم هجری و ظهور شاعری با تخلص ربیع، صاحب منظومه حماسی علی‌نامه - در وصف دلاوری‌های امام علی (ع) و نبردهای ایشان با مخالفان دوران خلافت‌شان منظومه حماسی علی‌نامه قدیمی‌ترین حماسه دینی شیعی است که ربیع آن را با استادی خاص و به تقلید از وزن، قالب و زبان شاهنامه به نظم درآورده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۴۲۸). شاعر این منظومه عبدالملک بنان قمی، متخلص به ربیع است که در هیچ کتاب و تذکره قدیمی نامی از او برده نشده. او در سال ۴۲۰ هـ ق به دنیا آمده و علی‌نامه را در ۴۸۲ هـ ق، یعنی در ۶۲ سالگی سروده است. (همان: ۴۲۹)

رسیده بد و سعد بد فال من	به وقتی که در شصت و دو سال من
گهرهای حکمت سوی گنج برد	دل من در این قصه همی رنج برد
(ربیع، ۱۳۹۰: ۱۷۰)	

این منظومه چند دهه پیش شناسایی و اخیراً به صورت نسخه برگردان و حروفی چاپ شده است.^۳ تا قبل از آن معروف‌ترین منظومه حماسی دینی فارسی، خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی متوفای ۸۷۵ هـ ق در وصف دلاوری‌های امام علی (ع) و نبردهای ایشان با کفار خاوران بوده است. منظومه خاوران‌نامه به بحر مقارب، در بیست و پنج هزار بیت و به تقلید از فردوسی سروده شده است، شاعر در چند جای این منظومه، در تجلیل از مقام استاد توس، ابیاتی را به نظم درآورده است:

و دیگر که فردوسی پاک‌زاد	که رحمت بر آن تربت پاک باد. . .
سخن را بلندی ز گفتار اوست	سخن را شعار اندر اشعار اوست
	(رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۵۰)

بعدها افرادی چون باذل مشهدی به سال ۱۱۲۳ هـ ق در سرودن منظومه حماسی حمله حیدری - در شرح زندگی پیامبر (ص) و امام علی (ع) و غزوات آنها و صبای کاشانی (م ۱۲۳۸) صاحب منظومه حماسی خداوندنامه، از کار ابن‌حسام تقلید کرده‌اند (همان: ۲۵۲). با شکلگیری حکومت صفویه در سال ۹۰۵ ق. و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، تألیف آثار مذهبی شیعی و نظم مراثی و مدایح دینی به اوج خود رسید که ترکیب‌بند جاودانه و معروف محتشم کاشانی در رثای سالار شهیدان، نمونه بارز آن است.

در این مقاله، منظومه حماسی عاشورایی مقامات حسینی منشی بمرودی دبیر دربار نادری و نسخه‌های خطی آن معرفی شده است. نویسندگان این سطور، منظومه یاد شده را تصحیح کرده و در حال چاپ این اثر هستند. البته قبل از مرحوم منشی، شعرای زیادی دست به سرودن منظومه‌های حماسی دینی زده‌اند، اما موضوع هیچ کدام شرح و توصیف قیام عاشورا نبوده است؛ همچنین روایت‌های تاریخی برخی از این

منظومه‌های حماسی دینی چندان معتبر نیست. قیام عاشورا همواره در ذهن شیعیان، دردآور و ملال‌انگیز بوده و هرگاه نامی از امام حسین (ع) می‌شنیدند، به یاد مظلومیت وی می‌افتادند و اشک می‌ریختند. به باور مردم این مرز و بوم نیز امام حسین (ع) شخصیتی بوده‌اند که زیر بار ستم نرفته، به دفاع از حق قیام نموده و در این راه مظلومانه شهید شده‌اند. نگاه منشی بمرودی به قیام عاشورا با نگاه تمام شعرای شیعی قبل از او و ارباب مقاتل تفاوت دارد. او امام (ع) و یارانش را پهلوانانی توصیف می‌کند که شجاعانه در برابر پلیدی و شومی می‌ایستند و آن را از بین می‌برند و خود با اشتیاق تمام به آسمان‌ها که در آرزویش بودند، پرواز می‌کنند.

شرح احوال و زندگی منشی بمرودی

میرزا محمد اکبر بمرودی قاینی معروف به منشی، از شاعران و دبیران عصر نادرشاه افشار است. (قایناتی: ۵۲) پدرش میرزا غلامرضا زرین قلم از اهالی روستای بمرود و از صاحب‌منصبان حکومت صفوی در هرات بوده که بعد از مرگ شاه عباس دوم و به هنگام بروز اختلاف و دسته‌بندی‌های سیاسی بر سر انتخاب جانشین شاه به اصفهان - مرکز حکومت - مهاجرت کرده است (رجبی، ۱۳۹۰: ۲۷۹). مؤلف کتاب شاعران خراسان جنوبی نام شاعر را میرزا علی‌اکبر ذکر کرده (زنگویی، ۱۳۸۸: ۴۰۹) که درست به نظر نمی‌رسد. میرزا محمد اکبر هم در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. سال تولد او احتمالاً باید بعد از ۱۰۷۸ هـ ق باشد (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۵۰۲). هرچند محمد اکبر منشی در شهر اصفهان به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت، ولی اصالتاً اهل روستای بمرود از توابع زیرکوه قاین است و اجدادش از دیرباز ساکن آنجا بودند و اکنون نوادگانش در آنجا زندگی می‌کنند. او در مقامات حسینی، خود را اهل بمرود معرفی می‌کند.

اگر چه بود آب بمرود شور	ز زشتی نباشد که گردد فخور
که آمد از آن منشی در وجود	که تا بلبل طبعش آرد سرود

(۱۵۴)^۴

محمد اکبر منشی، در سنین جوانی از اصفهان به مشهد مهاجرت و سال هادر مکتب شیخ حرّ عاملی و بزرگان دیگر شاگردی کرده است. او از دوستان میرزاهمدی خان استرآبادی، منشی دربار نادرشاه افشار و مؤلف درّه نادره، بود و شاید به سعی او به دستگاه حکومتی نادر وارد شده و جزء وقایع نگاران و منشیان وی گردیده است (همان: ۵۰۳) و به همین علت میان اهالی روستا به منشی معروف بوده و خود نیز در اشعارش منشی تخلص می‌کرده است. در فرهنگ سخنوران، نشرش متین و شعرش موزون توصیف شده است (خیامپور، ۱۳۴۰: ۵۶۶). منشی در اواخر عمر به روستای بمرود برگشته و چند سالی به تربیت طلاب و نوجوانان آنجا همت گماشته است؛ همچنین او در روستای شاه‌رخت در فاصله بیست کیلومتری بمرود، مدرسه علمیه‌ای بنا نهاده که آثار آن هنوز پابرجاست. خود او از مدرّسان آن مدرسه بوده است.

تاریخ وفات وی را سال ۱۱۸۰ هـ ق. یا نزدیک به آن باید دانست (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۵۰۴). قبر او بی‌نام و بسیار ساده در روستای قدیمی بمرود - معروف به قلعه کهنه - موجود است که در زلزله در سال ۱۳۱۶

خراب شده و اکنون تنها بقایای آن موجود است.

ممدوحان شاعر

منشی بمرودی، شاعری مذهبی و تمام اشعارش در مدح و ستایش و مرثیه ائمه (ع) و به خصوص در رثای امام حسین (ع) بوده است. وی در ابتدای منظومه مقامات حسینی، به رسم آثار دینی چند بیتی را در توحید و ستایش باری تعالی و منقبت نبی اکرم(ص) و امام علی (ع) سروده است. پس از آن چند بیتی در مدح احمدشاه ابدالی (دزانی) و شاهرخ میرزا، نوه نادرشاه افشار، گفته است.

احمدشاه ابدالی

احمدشاه بابای بزرگ که به احمدشاه دزانی و احمدخان ابدالی هم معروف است، از دودمان دزانی هاو پادشاهی پشتون بوده که امپراتوری دزانی افغانی را در سده ۱۸ میلادی بنیان گذاری کرد. او در جوانی توسط شاه حسین خلجی حکمران قندهار زندانی شد و بعد به خدمت نادرشاه درآمد و پس از مدتی فرمانده یکی از لشکرهای وی شد (کاتب، ۱۳۳۱: ۱۱). وی پس از قتل نادر، دولتی در خراسان بنیان گذاشت. قصدش از اعلان پادشاهی، همانند دیگر مدعیان نظیر علی قلی خان برادرزاده نادر، سلطنت بر ایران بود. بعدها قلمرو پادشاهی وی افغانستان، نام گرفت. الماس کوه نور پس از قتل نادرشاه به دست وی افتاد(صفی زاده، ۱۳۸۵: ۱۷۲۶).

در کتاب رستم/تواریخ محمدهاشم آصف رستم/الحکما، ذیل خصوصیات احمدشاه قندهاری، داستانی از احضار شاعری قاینی (بدون ذکر نام وی) و بخشیدن و صلح دادن به او آمده که به احتمال بسیار زیاد باید منشی بمرودی باشد، زیرا در آن دوران شاعر دیگری در قاینات غیر از وی این همه اشعار و مراثی مذهبی سروده بوده و از این گذشته مدح احمدشاه ابدالی هم در صفحات آغازین منظومه مقامات حسینی آمده است. مؤلف بزرگان قائن هم آن شاعر قاینی را منشی بمرودی دانسته است.^۵

شاهرخ میرزای افشار

شاهرخ شاه هم پسر رضاقلی میرزای افشار و نوه نادرشاه بوده است که در سال ۱۱۶۲ هجری پس از کشته شدن ابراهیم شاه به حکومت رسید. وی از سال ۱۱۶۲ تا ۱۲۱۰ هجری شاه ایران بود (همان: ۱۷۲۷). دوران کهنسالی منشی مصادف با حکومت احمدشاه ابدالی در قندهار و شاهرخ میرزا در مشهد بوده است (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۵۰۴).

حماسه‌های عاشورایی پس از منشی

درحقیقت قدیمی ترین منظومه حماسی عاشورایی معرفی شده در فهرست نسخ و فرهنگ‌های عاشورایی، منظومه مقامات حسینی منشی بمرودی است، ولی بعد از او شعرای فارسی دیگری هم واقعه عاشورای

حسینی را در وزن و قالب حماسی و به تقلید از شاهنامه فردوسی و منظومه‌های حماسی دینی قبل از خود به نظم درآورده‌اند که برخی از این منظومه‌ها عبارتند از:

مصیبت‌نامه

محمد حسین بن عیسی شعاعی قاجار، شاعر سده سیزده هجری، واقعه عاشورای امام حسین (ع) را در سال ۱۲۸۷ هـ. ق. در وزن و قالب شاهنامه فردوسی با عنوان مصیبت‌نامه به نظم آورده است که یک نسخه از آن منظومه در کتابخانه و مرکز اسناد ملی ایران به شماره ۹۷۰ف و دو نسخه دیگر از آن در کتابخانه کاخ گلستان به شماره‌های ۱۰۱۰۴ و ۵۶۳ نگه‌داری می‌شود (منزوی: ۱۸۲۴).

این منظومه با این ابیات شروع می‌شود:

به نام خداوند بالا و پست	که بالاتر از دست او نیست دست
به نام خداوند بی‌ابتدا	به نام خداوند بی‌انتهایا
به نام خدایی که جان آفرید	خرد داد و تاب تو آفرید

(شعاعی: ۱)

شهنشاه‌نامه حسینی

میرزا علی خان خاموش یزدی متولد ۱۳۷۹ هـ. ق. هم منظومه‌ای با نام شهنشاه‌نامه حسینی در مورد داستان قیام حضرت امام حسین (ع) در ۶۰ هزار بیت و در وزن شاهنامه فردوسی سروده است (خیام پور، ۱۳۴۰: ۱۸۴). از این منظومه یک نسخه به جا مانده که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۷۳۸ نگهداری می‌شود. آغاز آن، چنین است:

نخستین سخن را به نام خدای	دهم زیب و آرایش و فرّ و رای
سخن را ز نام جهان آفرین	طرازی دهم با صد آذین و زین
مهین صانع قاهر یک ازل	توانا جهان داور لم یزل

(خاموش یزدی: ۱)

حمله حسینی

میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی متولد ۱۳۰۲ هـ. ق هم داستان کربلا و واقعه شهادت امام حسین (ع) و برادران و یاران آن حضرت را در ۱۲۵۶ بیت در وزن شاهنامه و بحر متقارب با عنوان حمله حسینی به نظم کشیده است، که بیت آغاز آن، این است:

عمر تا ز دادار گرداند رو	به کیهان خداوند شد جنگجو
و با این بیت به پایان می‌برد:	
محمد بود روز و شب سوگوار	بنالد ز سوگ شه تاجدار

از این منظومه یک نسخه در کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۸۸۸۰ نگه‌داری می‌شود (حسینی، ۱۳۵۴: ۶۴).

صحیفه قاصریه

میرزا محمدعلی قاینی معروف به قاصر قاینی شاعر نیمه اول سده چهارده قمری که به علت مهاجرت به کرمان به قاصر کرمانی شناخته می‌شود (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۲۷) نیز حماسه‌ای دینی تحت عنوان صحیفه در پنج مقصد در رویدادهای کربلا در وزن و قالب شاهنامه سروده است. مقصد یکم در سرگذشت سراینده است که بر فردوسی ایراد می‌گیرد که در نظم شاهنامه از بزرگان دین یاد نکرده است، چهار مقصد دیگر به رویدادهای کربلا اختصاص دارد. صحیفه با این بیت آغاز می‌شود:

به نام خداوند پست و بلند
منزه ز هر نقص و از چون و چند
(راشد محصل، ۱۳۸۹: ۹۵)

از این اثر دو نسخه به جا مانده که یکی در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس به شماره ۸۲۳ و دو تای دیگر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره‌های ۲۹۰۲ و ۱۱۷۴ نگهداری می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۱۹۰ و ۱۷۴۹). با بررسی نسخه کتابخانه مجلس، معلوم می‌شود این منظومه فقط در شرح حال خود شاعر و داستان نبرد پیامبر(ص) با چند حاکم ساختگی ذهن شاعر است.

شعر عاشورایی بعد از منشی در بمرود و قاینات

شعرای زیادی بعد از منشی بمرودی در منطقه قاینات و قهستان به پیروی از او، منظومه‌های حماسی و اشعاری در رثای امام حسین (ع) و دیگر ائمه (ع) و خاندان پیامبر (ص) سروده‌اند. این افراد در حقیقت از کاتبان و مالکان نسخه‌های دیوان او و از بستگان و نوادگان او بوده‌اند و انگیزه آنها در سرودن مرثیه، خواندن و پیروی از اشعار و مرثی منشی بوده است. محمدحیدرین غلامرضا بمرودی، متخلص به مذهب که از شعرا و خوش‌نویسان قرن سیزده قمری و کاتب دیوان منشی بوده، به تقلید از او یک مثنوی حماسی در همان وزن و قالب مقامات حسینی در مورد حضرت عباس (ع) سروده که نسخه‌ای از آن در مشهد در دست نوه‌اش نگه‌داری می‌شود. (رجبی، ۱۳۹۰: ۲۸۵)؛ مثال:

چه شهزاده عباس والاهم
لب پرخروش و دل پرزرد
به فرمان شاه ملائک حشم
برون گشت تازان به دشت نبرد
همی بهر طفلان عطشان و زار
براین بود که آبی بیارد به کار
به یک حمله آن شاه والا جناب
دم آب بگرفت ز اهل عذاب
(همان: ۲۸۶)

او همچنین اشعار زیادی در رثای ائمه (ع) سروده (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۳۴۲) که در حقیقت به پیروی از سبک شعری منشی است؛ مثال:

در کربلا چو سرور دین را مقام شد
کیفیتی پدید گشت مگر روز رستخیز
از هر طرف ز لشکر کین ازدحام شد
در آن زمین زبس که هجوم لثام شد ...
(همان: ۳۴۳)

میرزا محمدعلی دانش بمرودی، پسر منشی که بنا به گفته پدرش در مقامات حسینی در سنین جوانی از

دنیا رفته و مدتی فرمانروایی فراه و قلعه‌گاه را بر عهده داشته (رجبی، ۱۳۹۰: ۲۸۳) و دیوان شعری مشتمل بر حدود هفت هزار بیت داشته است (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۵۸) نیز اشعار زیادی در مدح و مرثیه خاندان عصمت و طهارت داشته که بدون تردید بی‌تأثیر از مرثی‌های پدرش نمی‌تواند باشد؛ مثال:

جهان در ماتم شاه شهیدان واویلا	سیه پوشیده چون شام غریبان واویلا
در این ماتم فلک را از کواکب واویلا	به دامن گشته در اشک غلطان واویلا ...
خصوص این بنده دل خسته دانش واویلا	که باشد غرقه گرداب عصیان واویلا

(جنگ مرثی‌های شعری بمرود)

میرزا سحاب بمرودی نوه منشی که از فضایی قرن دوازده و اوایل قرن سیزده هجری قمری است و چندی در قاین کارگزار و مستوفی امیر علیخان خزیمه علم بود، (قایناتی: ۵۸) یک نسخه از دیوانش در موزه ملی بریتانیا نگهداری می‌شود (رجبی، ۱۳۹۰: ۲۸۲) و نسخه‌ای دیگر در دست مؤلف بهارستان بوده که بالغ بر پنج هزار بیت دارد. وی به تقلید از پدر و پدربزرگش، اشعار زیادی در رثای ائمه (ع) سروده است. از مرثی‌های اوست:

امشب همان شب است که عالم خراب شد	فرق مبارک علی از خون خضاب شد
تأثیر این قضیه ز ماهی به مه رسید	دریا به موج آمد و گردون حباب شد ...
گرید اگر سحاب عجب نیست زین عزا	دریا به موج آمد و گریبان سحاب شد

(جنگ مرثی‌های شعری بمرود)

میرزا محمدصادق بمرودی شاعر معاصر منشی (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۶۰) که با شاعر معاصرش محمدرفیع درمیانی متخلص به لامع مشاعره و مکاتبه داشته و تعدادی از اشعارش در نسخه خطی دیوان لامع آمده (زنگویی، ۱۳۸۸: ۹۷) نیز اشعار زیادی در رثای امام حسین (ع) سروده است که او را هم باید به نوعی پیرو مرثیه‌سرایی منشی دانست. از قبیل:

ماتم نور دو چشم مصطفی شد ای دریغ	ذکر دور قدسیان واحسرتا شد ای دریغ
بر جبین شاهدان خلد خال عنبرین	از برای شاه دین نیلی قبا شد ای دریغ...
صبح صادق چاک ز دهر شهیدان جیب و جان	زین سبب پیراهن گردون قبا شد ای دریغ

(جنگ مرثی‌های شعری بمرود)

ملا سلطانعلی صعودی بمرودی، شاعر و خوشنویس قرن سیزده قمری، از کاتبان مقامات حسینی بوده که اکنون نسخه‌ای را که کتابت کرده، در روستای نیازآباد از توابع شهرستان خواف، نزد آقای زنگنه نگهداری می‌شود (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۲۴۲). او اشعار زیادی در رثای خاندان و اولاد پیامبر (ص) سروده است و نسخه‌ای از دیوانش در مشهد نزد نوه‌اش نگهداری می‌شود (آیتی، ۱۳۴۲: ۱۶۰) بی‌شک در مرثیه‌سرایی دنباله‌روی منشی بوده است.

میرزا محمدعلی زهانی قاینی متخلص به عاصی، از شعرای قرن سیزده قمری و میرزا محمدحسین قاصر زهانی پسر میرزا محمدعلی عاصی (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۵۳۹ و ۴۲۲) مرحوم آیت‌الله فقیه بمرود امام جمعه فقید

منطقه زیرکوه قائنات که همواره در ایام عزاداری، مراثی منشی را می‌خوانده و حاج محمدصادق اوحدی از مدرّسان مدرسه علمیه زهان قاین که سه نسخه از مقامات حسینی را نگهداری می‌کرده، هر کدام اشعار زیادی در رثا و مدح خاندان عصمت و طهارت سروده‌اند و به نوعی می‌توان آن‌ها را پیروان راه منشی بمرودی در مرثیه‌سرایی دانست.

آثار منشی بمرودی

مقامات حسینی:

مهم‌ترین اثر مرحوم محمداکبر منشی بمرودی، منظومه حماسی عاشورایی مقامات حسینی است. این اثر یکی از قدیمی‌ترین منظومه‌های حماسی عاشورایی در ادب فارسی است. شاعر این منظومه را در ۳۳۰۰ بیت و در وزن و قالب شاهنامه فردوسی و با لحن و زبانی حماسی سروده است. سعیدزاده در کتاب *بزرگان قاین* تعداد ابیات آن را دوازده هزار گفته که نادرست است. در پایان این مثنوی ۳ قطعه آمده است که بر وزن اصل منظومه نیستند، اولی دو بیت و دومی ۲۶ بیت و سومی ۲۰ بیت دارند. شاعر در این سه قطعه منظومه مقامات حسینی خویش را معرفی نموده و تاریخ اتمام آن را بیان کرده است. از این منظومه حماسی دینی چندین نسخه خطی در موزه‌ها و کتابخانه‌های مختلف نگهداری می‌شود که در جای خود هر کدام به طور کامل معرفی خواهند شد. مقامات حسینی با ابیات زیر در تحمید باری تعالی و منقبت نبی اکرم (ص) شروع می‌شود:

اگر بسمله تاج عنوان نبود	مطالب نگاریدن آسان نبود
قلم را اگر از رگ گل کنی	ترنم گر از نای بلبل کنی
که بی‌آنکه نام خداوندگار	به سر لوح عنوان شود آشکار
مضامین به معنی نیاید درست	رگ و تار و پیوند آن هست سست
مظفر فزاید به عنوان قلم	کند رایت بسمله چون علم

آن گونه که خود شاعر در صفحات آغازین این منظومه یادآور شده، افراد زیادی در مورد واقعه جان‌سوز عاشورا مرثیه و اشعار زیادی سروده‌اند که سخن همه آن‌ها در مورد گرفتاری‌ها و غم‌هایی است که بر امام حسین (ع) و خاندان و یاران ایشان وارد آمده است. ولی موضوع مقامات حسینی، شرح و توصیف دلآوری‌ها و رشادت‌های امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان در نبرد با یزیدیان و پیروزی حق بر باطل است. به این سبب در نوع خود بی‌نظیر است.

سخن گستران نوای کهن
که اقلام بعضی گریبان چاک
لباس سیه در بر و چشم تر
به جزقوه دشمن و ضعفشان
و زآن یک تنه تاختن های او
و زآن اژدهاخویی ذوالفقار
که آمد به گفت از هزاران یکی
که تا از رخ دل برد خال غم
ز گل های زخم سنان امام
تو اکنون به توفیق پروردگار
ز کردار آن شاه قدسی سرشت
ز گلزار خونریزی ذوالفقار

همه شهیاران ملک سخن
به تحریر این قصه سوزناک
به روی صفایح نموده کدر
نمی کرد از نظم ایشان عیان...
چو خورشید تیغ آختن های او
شررباری وی بر اهل دمار
ز بسیاری آن بیان اندکی
چو گل بشکفت زآن قلوب دژم
شود عطرآسا مشام انام
به بارش درآ همچو ابر بهار
بیارای نظمی چو خرم بهشت
بزن گل به عمامه روزگار

صحت انتساب مقامات حسینی به منشی بمرودی

موضوعی که باید در اینجا به بررسی آن پرداخت، صحت انتساب این اثر حماسی به منشی بمرودی است. شاعر در چندین جا در این منظومه نام خویش را آورده است. به عنوان مثال در ابتدای قصه شهادت قاسم ابن امام حسن (ع) آمده:

ایا ساقی کوثر سلسبیل
غلام تو منشی چو کلب ذلیل
در صفحات پایانی این منظومه آمده است:

اگر چه بود آب بمرود شور
که آمد از آن منشی در وجود
با دیدن این دو بیت هرگونه شک و شبهه در مورد اینکه شاعر این منظومه شخص دیگری با تخلص منشی باشد، رفع می شود. و در آخرین بیت منظومه آورده:

چو افتاد این نظم مرضی حق
بجو از کرامات منشی حق
شاعر خود در دو قطعه پایانی بعد از اصل منظومه نام اثرش را مقامات حسینی ذکر کرده است:

چون از مدد فضل خدای قیوم
مقامات حسینی گشت نامش
گردید مقامات حسینی مختوم...
بلند آوازه شد تا روز میعاد

در تمام منابعی که معرفی او در آنها آمده مهم ترین اثرش مقامات حسینی نوشته شده است. محمدحسین بمرودی کاتب نسخه متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی در ابتدای نسخه نوشته: هذا کتاب مقامات الحسینی من کلام میرزا محمداکبر منشی - علیه الرحمه - ملحقات من کلام مذهب بمرودی. و

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی با استناد به این جمله در کتاب *الذریعه الی تصانیف الشیعه* آورده اند: «مقامات از نظم محمداکبر منشی در تاریخ وقایع کربلاست که برای احمدشاه درانی (۱۱۶۰-۱۱۸۷) آن را به نظم آورده و ناتمام مانده، اما مذهب بمرودی آن را تمام نموده است. نسخه آن در کتابخانه مجلس به شماره (۶۷۶:۳۱) است» (تهرانی، ۱۳۳۸: ۳۲۸).

مرحوم آقابزرگ تهرانی از این عبارت، برداشت اشتباهی کرده‌اند و مذهب بمرودی را ادامه دهنده راه منشی بمرودی و تکمیل کننده مقامات حسینی دانسته‌اند، در حالی که مذهب فقط کاتب قسمت دوم نسخه مذکور بوده (از ابتدای شهادت پسر مسلم ابن عوسجه تا آخر) همچنین رجبی در کتاب *تاریخ و مشاهیر قایمات* و سعیدزاده در کتاب *بزرگان قاین*، آیتی در *بهارستان* و به تبع از آیتی، دکتر محمدرضا راشد محصل در *نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی با استناد به گفته آقابزرگ تهرانی در الذریعه* در معرفی آثار مذهب بمرودی گفته‌اند: تکمیل مقامات الحسینی منشی بمرودی اثر طبع اوست. این نظر از اساس اشتباه و نادرست است. به دلیل اینکه منشی، مقامات حسینی را به احمدشاه ابدالی تقدیم کرده است (همان: ۳۲۸) و (فاضل، ۱۳۶۱: ۲۰۸) در حالی که مذهب از شعرای قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری ق است (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۳۴۲) و احمدشاه ابدالی در سال ۱۱۸۷ هجری ق از دنیا رفته. (کاتب، ۱۳۳۱: ۳۰) مذهب سال‌ها بعد از فوت منشی و احمدشاه ابدالی به دنیا آمده، در ثانی بررسی و مشاهده نسخ مختلفی که خود دسترسی بدان‌ها پیدا کرده‌ام خلاف این امر را ثابت می‌کند.^۶

مأخذ مقامات حسینی

طبق گفته نوادگان شاعر، منشی، واقعه کربلا را بر اساس *مقتل روضه‌الشهدا* / مرحوم ملاحسین واعظ کاشفی (متوفای ۹۱۰ هجری) به نظم آورده است. تا چند سال اخیر، نسخه‌ای از *روضه‌الشهدا* کاشفی در دست نوادگانش به خط مرحوم منشی نگهداری می‌شده است. ترتیب لحظه لحظه قیام مطابق با مطالب آن کتاب است. البته مرحوم منشی واقعه شهادت حضرت علی اصغر را به نظم در نیاورده‌اند. *روضه‌الشهدا* فقط مقتل امام حسین (ع) نیست، بلکه در باب شهادت و زندگی تمامی خاندان عصمت و طهارت است و قیام عاشورا بخش اعظم این کتاب است. بسیاری از توصیفات منشی از آلات جنگی و رشادت‌های یاران امام (ع) و رجزخوانی‌های آنان مطابق با گفته‌های کاشفی است. در *روضه‌الشهدا* بیتی عربی از زبان وهب بن عبدالله کلبی در هنگام رجزخوانی آورده که منشی هم در رجزخوانی‌های وهب آن را عیناً آورده است: امیری حسین و نعم الامیر / له لمعه کالسراج المنیر (۱۴۰۲)

تاریخ سرودن منظومه

تاریخ اتمام نظم مقامات حسینی را منشی در پایان منظومه و همچنین در بیت‌های پایانی هر سه قطعه بعد از منظومه اصلی آورده است، که با محاسبه ماده تاریخ آن بر اساس حروف ابجد، سال ۱۱۷۰ هجری است.

ندا آمد از فوق عرش برین
چو افتاد این نظم مرضی حق
چون از مدد فضل خدای قیوم
کرد از پی تاریخ خرد قطع قلم
پی تاریخ اتمام وی از عقل
پس از خار ترنم کرد و گفتا
به سروش صوامع ملکوت
وصف شیران بیشه علوی

که از جلوه تیغ آل طنین
بجو از کرامات منشی حق
گردید مقامات حسینی مختوم
شد معجزه خامه منشی مرقوم
علی رغم مخالف جسم ارشاد
بجو از نغمه داوودی امداد
بعد الهام گفت طبع دوژم
سال تاریخ بی زیاده و کم

مثنوی نان و حلوا

از دیگر آثار منشی، مثنوی نان و حلوا را می توان نام برد. این مثنوی پندآمیز که در صفحات پایانی نسخه اول موزه مشاهیر قاین آمده، در ۱۱۰ بیت و در وزن و قالب و به سبک زبانی مثنوی مولوی سروده شده است. شاعر در چندین جای مثنوی نام مولوی و ابیاتی از او را می آورد:

علم زیب از فقر یابد ای پسر
مولوی را هست دایم این گمان
نقض علم است ای جناب مولوی
و ابتداء منها به بیت المثنوی
شاعر مثنوی خود را با این بیت شروع کرده است:
ایها اللهی عن العهد القدیم
و با این بیت به پایان برده است
هر چه از حق باز دارد ای پسر
نه ز باغ و راغ و اسب و گاو و خر
کان نیابد زیب ز اسباب جهان
حشمت و مال و منال دنیوی
للهکیم المولوی المعنوی
ایها الساهی عن التهج القویم
نان و حلوا نام گردد ای پسر

مرثیه های عاشورایی

منشی بمرودی اشعار زیادی در رثای امام حسین (ع) و فرزندان و یاران باوفای ایشان سروده است که برخی از آن ها در جنگ ها و بیاض ها به یادگار مانده است و برخی هم سینه به سینه منتقل شده اکنون در ماه محرم در مساجد و تکایای منطقه خوانده می شود. یک نسخه از دیوان مرثی او به انضمام مرثی فرزندش دانش در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس به شماره ۹۰۹۴۶ نگه داری می شود و همچنین تعدادی از مرثی او در نسخه خطی مرثی چند تن از شعرای قاینات که در موزه مشاهیر قاین نگه داری می شود هم آمده است. نمونه ای از مرثی عاشورایی او:

خزان گلشن آل عبا شد
بهار لاله‌زار کربلا شد
زمین کربلا کوب‌نما شد
تن مه پاره خیرالنسا شد
که شاه کربلا را سر جدا شد
به زیر سمّ مرکب توتیا شد
غروب آفتاب انما شد
به دارالملک دل غم پادشاه شد
ملک را مرغ جان بلبل‌نوا شد
قد گردون ز بار غم دوتا شد
الف پیدا ز خمّ استوا شد
فلک بهر عزا نیلی‌قبا شد
عزای زمزم و خیف و منا شد
به یادش دم به دم روحی فدا شد
(جنگ مراثی شعرای قاینات)

بیا ای دل که هنگام عزا شد
چکید از ابر غم خون شهیدان
ز اشک و آه اولاد پیمبر
گل صدبرگ بستان شهادت
سر خورشید سرگردان شد آن روز
تنی کز تاب جان تبخال می‌زد
نهان شد اختر برج سلونی
فتاد از فرق عالم تاج شاهی
به یاد آن گل گلزار زهرا
زمین بهر عزا شد آسمان پوش
برای ماتمش در سینه چرخ
جهان از شب پریشان کرده گیسو
لباس تعزیت پوشیده کعبه
نوای فاخته چون کلک منشی

دیگر آثار

او علاوه بر اشعار مذهبی تعدادی غزل در موضوعات احساسی و عاشقانه نیز سروده است. نمونه‌ای از غزلیات او:

پنهانم و پیدایم چون خور به سحاب اندر
مخفیم و پیدایم چون بو به گلاب اندر
لب‌تشنه و سیرابم چون درّ خوشاب اندر
اعمائی و بینایی چون کور به خواب اندر
هم عینی وهم دالی چون زلف به تاب اندر
پوشیده و عریانم چون رخ به نقاب اندر
(آیتی، ۱۳۷۱: ۲۵۴)

غلطانم و لرزانم چون موج بر آب اندر
محبوب و هویدایم مستورم و رسوایم
در حلقه گردابم چون گوهر نایابم
محو رخ زیبایی از هوش مبرایمی
در برزخ اقبالی دلگیری و خوشحالی
من منشی حیرانم شرمنده عصیانم

بنا به ادعای نوادگانش، شاعر چند رساله علمی در موضوعات مختلف نوشته که هیچ نسخه‌ای از آنها باقی نمانده است. برخی مدعی شده‌اند که منشی دست‌خط بسیار زیبایی داشته و چند دیوان و چند کتاب تاریخی و همچنین قرآن کریم را کتابت کرده است که به مرور زمان از بین رفته است. گفته‌اند در گذشته در منزل نوادگانش قرآنی با دست‌خط مرحوم منشی نگهداری می‌شده که به موزه آستان قدس رضوی هدیه شده است، ولی مؤلف کتاب بزرگان قاین، چنین نسخه‌ای را در دفتر ثبت قرآن‌های این موزه نیافته است. شیخ محمدباقر آیتی در بغیه الطالب (ص ۱۵۹) منظومه‌ای ۱۲۰۰۰ بیتی با عنوان مناقب الشیعه

امیرالمومنین (ع) را از سروده‌های منشی بمرودی دانسته، منظومه‌ای را که آقابزرگ تهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه (ج ۳۲۸: ۲۲) آن را به میرزا علی‌اکبر نامی منسوب کرده است که چنین نسخه‌ای پیدا نشد. احتمالاً مرحوم شیخ محمدباقر آیتی مقامات حسینی را به اشتباه، مناقب الشیعه یاد کرده است (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۵۰۸).

حماسه ملی و حماسه دینی مقامات حسینی

پس از فردوسی، به واسطه نفوذ و تأثیری که شاهنامه او بر ادبیات فارسی و شخصیت وی در اندیشه‌های گروهی از شاعران فضیلت‌خواه دین‌باور می‌گذارد، همگام با انحطاط و زوال حماسه‌های ملی که از اواخر قرن پنجم آغاز می‌شود، ابتدا عده‌ای از گویندگان را به سرودن حماسه‌های تاریخی متمایل می‌کند و از طرفی اعتقاد راسخ دینی آن حماسه‌سرای بزرگ و ارادت عمیق او به پیامبر عالیقدر اسلام و خاندان عصمت و طهارت (ع) به علاوه جذابیت و زیبایی‌های موجود در کلام فردوسی و محتوای شاهنامه از لحاظ اخلاقی و دینی موجب می‌گردد تا عده‌ای از شاعران دین‌باور مسلمان، به جنگ‌های مذهبی صدر اسلام و پهلوانانی‌های دلاورمردانی نظیر حمزه و امام علی (ع) توجه کنند و مآلاً داستان‌های حماسی با مضامین دینی همراه با توضیحاتی باشکوه و آکنده از صور خیال زیبا، به تقلید استاد توس به وجود آید. و به واقع در این آثار، دلاورمردان دینی چون امام علی و ... به جای قهرمانان ملی و تاریخی ایران نظیر رستم و اسکندر انتخاب میشوند (رزمجو: ۱۳۸۱: ۶-۲۱۵).

همان‌طور که گفتیم این منظومه با اشعاری در تحمید باری تعالی و منقبت پیامبر آغاز و با منقبت حضرت علی (ع) و مدح احمدشاه ابدالی و پس از آن بیان علت به نظم کشیدن واقعه عاشورا ادامه پیدا می‌کند. در ابیات نخستین، اثرگذاری مخزن‌الاسرار نظامی در به کار گرفتن الفاظ و مضامینی چون لوح و قلم و وجود و عدم، به روشنی آشکار است.

اگر بسمله تاج عنوان نبود	مطالب نگاریدن آسان نبود ...
به لوح آشنا شد چو اول قلم	همی نام نامی از او زد رقم
اگر ذات پاکش نگشتی عیان	صفات الهی بماندی نهان
از او خلق گشتند خالق‌شناس	به قدری که گویند او را سپاس
چو باعث بر ایجاد افلاک شد	برازندهی تاج لولاک شد ... (۱)

ابیاتی که تأثیر پنهان کلام الهی و پیامبر (ص) در آن محسوس بوده، بر نگرش عرفا نسبت به خدا و هستی و رابطه این دو با یکدیگر تأکید می‌کند:

خدا خواست چون نورش آید پدید	طفیل وجودش جهان آفرید
هر آن شیء کو از عدم شد وجود	بر او نیز تکلیف حبش نمود (۲)

بر مبنای نگرش عرفا، تجلی حق و نورش که در هیئت آفرینش هستی ظاهر گردیده، رابطه وجود با مبدأ

آن بر محبت و دوستی حق استوار است.

استفاده، اثرپذیری، پیروی، شباهت و تفاوت با شاهنامه

مقامات حسینی چون دیگر منظومه‌های حماسی در مواردی به پیروی از شاهنامه سروده شده است. این پیروی و تقلید، گاهی جنبه صوری داشته، به حیث ظاهر تأثیر شاهنامه را بر مقامات حسینی نشان می‌دهد؛ گاهی نیز مقامات زمینه‌های تصویری خود را از شاهنامه گرفته و برخی شباهت‌های مضمونی و معنایی، این منظومه را به شاهنامه نزدیک کرده، در کنار آن قرار می‌دهد.

۱. تقلیدهایی که جنبه صوری داشته:

وزن و قالب

همان‌طور که گفته شد، منشی این منظومه را به تقلید از شاهنامه بر وزن فعولن فعولن فعل(مقارب مثنی محذوف) - که متناسب با موضوعات حماسی و در قالب مثنوی که بسیار متناسب با داستان‌های بلند بوده - سروده است.

استفاده از ابزار و آلات رزمی

در شاهنامه به وفور از آلات رزمی و جنگی استفاده شده است، در منظومه مقامات حسینی هم شاعر از این الفاظ استفاده فراوان کرده است.

نیزه، تیر، تیغ، پیکان و ...

ز الماس پیکان و نقش کمان (۲۶)

پس از برق تیغ و درخش سنان

چنان داد داد ره دار و گیر (۴۶)

بدین سان به نیزه به تیغ و به تیر

یمین، یسار، قلب و ...

بدین گونه می‌کرد تاراج جان (۱۲۶)

ز قلب و یمین و یسار خسان

یمین می‌شد از هیبت او فرار (۱۲۹)

نمودی چو عطف عنان بر یسار

آوردن نام شخصیت‌ها و پهلوانان شاهنامه

شدی در زمانش به آن هم جدل (۳۸)

که **سام نریمان** اگر فی‌المثل

به ملک عرب **رستم** زال بود (۴۰)

زهیر از مشاهیر ابطال بود

شاعر در برخی از ابیات، پهلوانان سپاه امام را بر پهلوانان شاهنامه، برتری و ترجیح می‌دهد:

خوشا مرحبا هاشم نامدار	چه سام وچه رستم چه اسفندیار
سزا بود در وصف آن نامور	بر این لوح فیروزه از آب زر
شدی فی‌المثل روح رستم دبیر	به نوک سنان و به پیکان تیر
به هر حمله آن یل جنگجو	نوشتی به شمشیر او عبده (۱۲۷)

رجز خوانی

فردوسی در شاهنامه در بسیاری از نبردها هنگام رویارویی پهلوانان رجزخوانی‌های آنان را به نظم کشیده است. در منظومه مقامات حسینی هم منشی در چند نبرد رجزخوانی جنگجویان را به نظم آورده است.

چنین بود تقریرشان در طرید	که دانید ما را غلام عبید
غلامان ابن زیادیم ما	ز هر کس به شوکت زیادیم ما
یزید است مولای مولای ما	رسیده به عیوق آوای ما
فن ما جگرداری و پردلی است	مثل در شجاعت علم در یلی است (۴۵)
ز نام‌آوران در میان تیار	مرا نام سالم مرو را یسار
پس آنگه رجزخوانی آغاز کرد	زبان را بدین نغمه دمساز کرد (۵۱)
بداند هر آن کس نداند مرا	منم بنده خاص آل عبا
وهب بن عبد الله کلبی‌ام	که با دشمن خاندان حربی‌ام
امیری حسین و نعم الامیر	له لمعه کالسراج المنیر

تقلید در حوزه آرایه‌های ادبی

منشی در مقامات لفّ و نشرهایی به کار برده که برخی به گونه‌ای تقلید از لفّ و نشر معروف فردوسی هستند. شاهنامه:

به روز نبرد آن یل ارجمند	به شمشیر و خنجر به گرز و کمند
برید و درید و شکست و بیست	یلان را سر و سینه و پا و دست

مقامات حسینی

در اثنای جولان شیر ژیان	به تحریک گرز و کمند و کمان
شدی از خسان وقت ردّ و بدل	بسی خسته و بسته و جسته یل (۳۷)
بکوییدو درید و خایید و خست	به پا و رکاب و به دندان و دست
از آن کافران جهنّم مقرر	سر و سینه‌گاه و سپرز و جگر (۱۲۰)

تلمیح به برخی داستان‌های شاهنامه

در برخی از ابیات مقامات حسینی، تلمیح‌هایی به داستان‌های شاهنامه دیده می‌شود، به عنوان نمونه دو بیت زیر از مقامات تلمیح به داستان ضحاک دارد.

سنانی که آن شه به فتراک داشت
مگر خوی ماران ضحاک داشت
که قانع نبودند جز مغز سر
سنین و بنینش به چیزی دگر (۱۳۹)

۲. جنبه‌های تصویری شاهنامه و مقامات

۱. تصویر اصیل و ابداعی در این منظومه بسیار نادر است. از مطالعه مجموع تصاویر مقامات برمی‌آید که منشی بمرودی تنها در ارائه تصویری از شب و ستارگان، تجربه‌های حسی ارزشمندی داشته، تصویرهای نسبتاً طبیعی و مناسب با آسمان صاف کویر از خود بر جای گذاشته است.

به سان ستاره به وقت سحر
ز خورشید تابان رود پیش تر (۱۴)

در این بیت، ستاره سحری استعاره از مُسَلِّم، فرستاده امام به کوفه، و خورشید، استعاره از امام حسین، است که مأموریت مسلم در هیئت تصویری جالب به پیش‌تر رفتن ستاره بر خورشید تشبیه شده است. یا:

چو شهزاده مسلم به فرمان شاه
شد عازم به طی منازل چو ماه
در آن رفت و رو پس به تغییر حال
گهی بدر می‌بود و گاهی هلال (۱۵)
به قطع منازل به سان قمر
تو گفتی که رخشم برآورد پر (۲۰)

۲. یکی از ویژگی‌هایی که در این منظومه کم و بیش دیده می‌شود، خصوصیتی است که در شاهنامه به وفور یافت می‌شود و بسیاری از تصاویر فردوسی از این مقوله است و آن توصیفاتی است که از طریق ترکیب صفت‌ها ساخته می‌شود و فردوسی در بسیاری از وصف‌های خود این گونه تصویرها را می‌سازد، بدون اینکه از صورت‌های خیالی چون استعاره، کنایه، تشبیه و مجاز استفاده کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۲۴)

ز ملک حبش بود قدامه‌ای
مزین به زین رخس دل‌دل شمیم
تبه‌روزگاری، سیه‌نامه‌ای (۱۵)
صراحی سرین و غزاله قلم (۲۰)

۳. از ویژگی‌های منحصربه‌فردی که در باب تصویرهای شاهنامه باید یادآوری کرد، «ارزش لقایی تصویرهاست که می‌کوشد تصویر را وسیله‌ای قرار دهد برای القای حالت‌ها و نمایش لحظه‌ها و جوانب گوناگون طبیعت و زندگی، آن‌گونه که در متن واقع جریان دارد»؛ (همان: ۴۴۰) چیزی که در این منظومه و دیگر منظومه‌های تاریخی دیده نمی‌شود یا به ندرت مواردی اتفاق می‌افتد. در مقامات شاعر فقط یک جا در وصف طلوع آفتاب، یک بیت آورده است:

چو از بستر تیره شب آسمان
برافراخت قد تیر خور از میان (۳۲)

۴. تشخیص کار شاهنامه در رنگ مادی اجزای تصاویر او چون ابر، آفتاب، دریا، سپر، ستاره، کوه و دشت

بوده «بر روی هم همه تصاویر او عناصری است مادی و در حوزه ملموسات و این مادی بودن دید او یکی از مهم‌ترین رمزهایی است که بیان حماسی او را تا این حد ملموس و حسی کرده است... و یکی از علل بی‌ارجی حماسه‌های عصر تیموری، همین کوشش سراینده‌گان آنها در پرداختن به تصویر انتزاعی است.» (همان: ۴۵۲)

در این منظومه هم تصاویر اجزای خود را از طبیعت گرفته‌اند و کمتر تصویری پیدا می‌شود که اجزای آن را امور انتزاعی تشکیل داده باشد، اما تناسب و هماهنگی و عظمت و بی‌کرانگی اجزای تصاویر شاهنامه را در اینجا نمی‌توان دید؛ به ویژه تصاویر طبیعت در این منظومه خالی از عناصر جنگی است. همان طور که حیات و حرکت و جوش و خروش تصاویر شاهنامه تا حد زیادی در گرو مادی بودن تصویرهاست. در این منظومه نیز مادی بودن تصویرها کمک زیادی در ایجاد جنبش و تحرک تصویرها کرده، از نظم گونه‌گی یک‌نواخت آن کاسته‌اند؛ مثال:

دل غنچه مسلم باوقار	چو گل شد شکفته به فصل بهار (۳۰)
شدند دایره دور قصر عبید	چو دام مشبک بر اطراف صید (۳۸)

۵. گفتیم «عناصر تصویری شاهنامه همه از طبیعت گرفته شده هیچ نشانی از چیزهای قراردادی از قبیل علوم و فلسفه در آن نیست.» (همان: ۴۵۶) این امر در منظومه مقامات تا حدی رعایت شده، اما در غیر تصویرها فراوان از امور قراردادی سود جسته، در مواردی نیز در پی آن بوده است که با استفاده از اصطلاحات موسیقی، ایهام گونه‌هایی بسازد که در حوزه تصویرها جالب است. مثال:

همه راست رو در مقام عراق	همه نغمه پیرای شد وثاق (۲۷)
گرت هست میل مقام عراق	درآ از نوای مخالف طراق (۳۲)

۶. «یکی دیگر از ویژگی‌های صور خیال شاهنامه، رنگ ویژه ایرانی تصویرهاى او بوده، تقریباً هیچ تأثیری از فرهنگ اسلامی و عربی ندارد.» (همان: ۴۵۶) در حالی که این رنگ ایرانی در این منظومه دینی جای خود را به نفوذ فرهنگ اسلامی و سامی داده، نشانه‌های تشیع هم در تصویرهاى آن، امری آشکار و مسلم بوده. این نگاه در سراسر منظومه پیداست؛ تنها در مواردی اندک از اساطیر ایرانی شاهنامه استفاده شده است؛ البته طبیعت این گونه منظومه‌ها این امر را اقتضا می‌کند؛ مثال:

چو یوسف مثل حسن رخسار او	زلیخای شاهی گرفتار او (۵)
نما از رگ گل بیان را نگار	که در کربلا جلوه ذوالفقار (۸)
که دور از تو ای نور صادر ز نور	چنانم که بی‌نور حق نخل طور (۱۱)

۷. دیگر از خصایص شاهنامه، ترکیب‌ها و ترکیباتی از قبیل «پر گستردن»^۷ است که به دشواری می‌توان آنها را برگرفته از قرآن دانست، در صورتی که این منظومه از اشارات پیدا و پنهان لفظی و معنایی و تلمیحی قرآنی پر بوده، غلبه فرهنگ قرآنی و بعضاً روایی در آن چنان زیاد است که الفاظ مفرد و تا حدی مرکب

منظومه به عربی است و حضور عربیات در ضمن ابیات، پر رنگ است.

به آن قدرت و شوکت و کَر و فر	شگفتی ندارد که شق القمر (۲)
بر اسب خروشان چو جوش غضب	چو نار سقر شد و ذات‌اللَّهَب (۱۲)
عرایض به کف از صغار و کبار	چو جلد منقش ز کهسار مار (۱۰)
چو حر گشت فارغ زعرض جواب	چنین شد مشرف به فصل الخطاب (۱۶)

۸. هماهنگی تصویرها از حیث شناخت نقش‌های مختلفی که هر یک از انواع صور خیال در شعر دارند، نکته‌ای است که در شاهنامه به خوبی رعایت گردیده؛ یعنی فردوسی نیک می‌داند که جای تشبیه و جای استعاره و جای دیگر انواع تصویر در کجاست؛ از این روی در وصف‌های غنایی از استعاره و از تشبیه در جریان عادی کارها و لحظه‌ها و از اسناد مجازی و اغراق شاعرانه در وصف جنگ و میدان و فضاهای حماسی سود جسته است. (همان: ۴۴۶) اما در این منظومه تشبیه و کم و بیش تمثیل در مرکز تصویرهای حماسی قرار گرفته، در مواردی این تشبیه‌ها با اغراق‌های مناسب و بعضاً هم نامناسب همراه شده است.

پس آن‌گه نمود از کمر استوار	درخشنده تیغی چو ابر بهار
به دستش یکی نیزه نه زراع	درخشش معارض به خط شعاع
کمندب چو تکلیف مالایطاق	برای اجل حلقه‌هایش رواق
گلوگیر چون حلقه جای حلق	ز هر حلقه دامی تمنای خلق
چو زلف بتان سر به سر پیچ و تاب	چو سررشته آرزو بی حساب (۳۳)

۹. اغراق شاعرانه بر پایه اسناد مجازی «که بیش و کم با نوعی تشبیه ممکن است ترکیب شده باشد»، (همان: ۴۴۹) مسئله تخیل و جنبه هنری شاهنامه را تشکیل داده است. این ویژگی را همه حماسه‌های دینی و تاریخی از شاهنامه وام گرفته، تقلیدوار و کم و بیش هنری با تصویرهای تشبیهی و بعضاً استعاری خود تلفیق کرده‌اند. منظومه مقامات نیز در تشبیهات حماسی خود از مبالغه استفاده کرده، خیال‌انگیزی و جنبه هنری تصاویر خود را تقویت کرده است، اما نکته قابل یادآوری اینجاست که این موارد اندک بوده، لابه‌لای ابیات گم شده‌اند.^۸

یلی ابن عبدالله مدحجی	که خواندی اجل پیش تیغش هجی (۶۳)
چو راکب شد آن راد نازک نهال	تو گفتی ز آفاق سرزد هلال (۶۹)

۱۰. تناسب و هماهنگی لفظ و معنا در همه زمینه‌های حماسی، تاریخی و اساطیری شاهنامه تا حد زیادی رعایت شده، بدون اینکه آسیبی به روانی، سادگی و سلیسی ابیات وارد کند، در حالی که این منظومه با رویکردی اطنابی و پر از حشوئیات سروده شده. این امر مانع از ابهامات زبانی و نحوی غیرهنری نشده است.

دل از داغ ایشان بود پر ز درد
ز تدبیر غم شد به بزم ضمیر
که رخساره شنبلید است زرد (۳)
شکفتن به دست گرفتن اسیر (۹)

۱۱. در توصیف‌ها نیز باید گفت «در شاهنامه گاه با یک بیت و زمانی یک مصراع و در مواردی با کمتر از یک مصراع توصیف ارائه شده و دنباله مصراع یا بیت، گزارش داستان است»، (همان: ۶۱۵) ولی در این منظومه این گونه توصیف‌ها به گونه‌ای تفصیلی و اطنابی و با چندین تصویر پی در پی نشان داده شده، اغلب تراجم تصویرها در فضای حماسی را ایجاد کرده است. به عنوان مثال شاعر در توصیف ویژگی‌ها و رفتار اسب جناب سعید حنیفی چندین بیت پشت سر هم آورده است:

به زیرش یکی صرصرآسا سمند
خورند و دوند و جهند و پرند
دم و زانو و یال و بالش سیاه
جهان تاز مانند رخس نگاه
ز باغ و دماغ و چماق دمش
پس از طمطراق طراق سمش
به هنگام جولان زمین و زمان
بگفتی به پیش سمش الامان ... (۸۶)

۱۲. خصوصیتی را که از این گونه منظومه‌ها نمی‌توان توقع داشت، «کشش و نیرویی است که در محور عمودی خیال در شاهنامه وجود دارد. شاهنامه بر شعرهای رایج روزگار خود و دوره‌های بعد از نظر محور عمودی برتری دارد و حتی با هیچ کدام قابل سنجش نیست، زیرا در قضاید و انواع دیگر شعر غیر از مثنوی، محور عمودی به طور یک سنت رایج، همیشه محدود و در تنگنا بوده است. در مثنوی‌ها نیز این عدم تناسب و ضعف را به نسبت‌های مختلف، همه جا می‌توان احساس کرد؛ از دقیقی گرفته تا اسدی و در دوره‌های بعد نظامی و همه مقلدان او» (همان: ۴۵۸)

۱۳. نفوذ ترکیبات و تعبیرات عامیانه و به طور کلی ادب عامه، غلبه اسطوره‌ای سامی بر اسطوره‌های ایرانی به پیروی از مفسران اسلامی و روایت‌های مفصلی که از ماجراهای این اسطوره‌ها در تورات آمده، بی‌ارج بودن اسطوره‌های ایرانی و فدا کردن آنها پیش پای امامانی که از سر اعتقاد ستایش شده‌اند، ساختن چهره‌های خیالی و افسانه‌ای از امامان و ارائه تصویرهای ماورایی و قدسی و فوق بشری و خارج دسترس از آنها و بعضاً اطرافیان آنها، طرز تلقی‌ای که یقیناً از زمان صفویه میان شیعیان ایران پیدا و روز به روز بر گسترش و رواج آن افزوده شده است، نقل سطحی و اقتباس عین عبارت‌ها و تعبیرهای قرآنی بی‌هیچ تصرف و ترجمه‌ای و بی‌نصبی از تجربه‌های شعری شخصی و حسی و به کار بستن تصویرها و ترکیب‌های تقلیدی و کلیشه‌ای و تکرار آنها در جاهای دیگر منظومه بدون کوچک‌ترین تصرفی، ناهماهنگی و بی‌تناسبی تصویرها با فضای شعر و ... از مواردی است که این منظومه و دیگر منظومه‌های حماسی دینی و تاریخی را از شاهنامه جدا کرده، فاصله هنری آنها را با شاهنامه حفظ کرده است.

امن فیک اقرب به جبل الورید
فقال یزید یزید یزید (۲۱)
کم از ده نمی‌بود پرگال‌ها
به امر له عشر امثال‌ها (۷۶)

۳. شباهت در مضمون

تأکید بر ناپایداری زمانه و بی‌وفایی دنیا

فردوسی در پایان بسیاری از نبردها، خواننده را از دل‌بستن به این دنیای فریبکار و دو رو بر حذر می‌دارد؛ او معتقد است این سرای سپنجی گاه به آدمی گنج می‌بخشد و گاه رنج و هیچ چیز جهان قابل اعتماد و دل‌بستن نیست. منشی هم در جاهای زیادی از مقامات خواننده را از دل‌بستن به این دنیا بر حذر می‌دارد و این جهان را قابل اعتماد نمی‌داند.

چنین است آیین این حقه‌باز	که با ساز و سوزست و با سوز و ساز
مخور بازیش را که لغابی است	ز سوداش بگذر که دولابی است
به چرخت رساند به صد عزّ و جاه	فرستد پس آن‌گه چو دولت به چاه
پراند به بالا به سان شرار	فرستد در آخر به تابوت نار
بود گردش وی همه ریو و رنگ	دهد اولاً شهد و آخر شرنگ
نه گل باش با او نه هم عندلیب	حذر کن از آن زال ابله‌فریب (۲۸)
ز آرایش این جهان خراب	که جامش حباب است و آبش سراب (۴۹) ^۹
بود گنج وی رنج و شادیش غم	زر او بود آذر و سیم سم

براعت استهلال

در مجموع منشی بمرودی در سرودن منظومه‌اش از شاهنامه استفاده و تقلیدهای زیادی نموده است، به نوعی که گاه این تقلید از حدّ وزن و قالب فراتر رفته، ابیاتی با مضامین و کلمات و ترکیبات مشترک با شاهنامه دارد. به عنوان مثال منشی در این سه بیت، سبک بیان و آرایه براعت استهلال را هم تقلید کرده است.

به مضمون تازه به لفظ سلیس	معنی همه بکر و فکر نفیس
نمایم بیان داستان داستان	به نظم خود و سنت باستان (۱۲۳)

از ابیات آغازین داستان رستم و سهراب در شاهنامه:

ز گفتار موبد یکی داستان	بیوندم از گفتهی باستان
	(ج ۲: ۱۷۰)

دست‌نویس‌های مقامات حسینی

از این منظومه حماسی دست کم هشت نسخه خطی بر جای مانده که همه این نسخه‌ها رؤیت و در تصحیح مقامات از آنها استفاده شده است:

۱. نسخه متعلق به کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد

این نسخه به شماره ۴۸۰ در فهرست کتابخانه مسجد گوهرشاد وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی

ثبت شده و دارای ۲۹۱ صفحه است که از صفحه ۱ تا ۱۱۰ آن ۵ سطری (بیت) و از صفحه ۱۱۱ تا آخر ۲۰ سطری است. نسخه را شخصی به نام محمدحسن کلی ابن آخوند ملا حسینعلی در اول ماه رجب سال ۱۳۰۵ هـ ق در مدرسه علمیّه قاین به خطّ نسخ کتابت کرده است. کاتب اهل روستای بیهود در ۶۰ کیلومتری شمال قاین بوده که اطلاعاتی از زندگی او به دست نیامد. این نسخه را حاج سیدمحمد طباطبایی در سال ۱۳۳۲ به کتابخانه مسجد گوهرشاد اهدا کرده است.

نسخه شماره ۴۸۰، شماره گذاری شده و آغاز و پایانش مشخص و دارای ترقیمه است، ولی کاتب از روی نسخه‌ای ناقص کتابت کرده است، چون از ابتدا حدود ۱۳۰ بیت را ندارد و از آخر هم چهار بیت پایانی منظومه که شاعر نام اثر و تاریخ سرودن آن را آورده و همچنین سه قطعه پایانی را ندارد و کاتب نام اثر را در صفحه آغازین نسخه این گونه نوشته: هذا کتاب میرزای بمرود المسمی بالمقامات. در شناسنامه این نسخه برخی از اطلاعاتی که در باب شاعر داده شده، درست به نظر نمی‌رسد، از این قبیل: وزیر نادرشاه افشار بوده و در سال ۱۱۶۱ مقتول شد و اعقاب او فامیل خود را شهیدی دانسته و بعضی در مشهد آن را به شریفی تغییر داده‌اند. حال آنکه شاعر، منشی دربار نادر بوده، نه وزیر او و همچنین او تا سال ۱۱۷۰ که سرودن اثر را به پایان برده، زنده بوده و در سنین پیری فوت کرده است. احتمالاً نام خانوادگی اعقاب کاتب نسخه شهیدی و بعداً به شریفی تغییر کرده است، زیرا طبق تحقیق اینجانب از اهالی روستای بیهود، افراد زیادی از این روستا با نام خانوادگی شریفی در مشهد زندگی می‌کنند.

۲. نسخه متعلق به کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۱۱۹۳ در فهرست کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ثبت شده است. این نسخه دارای ۱۹۹ صفحه ۲۲ سطری و عناوین به رنگ قرمز کتابت شده، این عناوین در حقیقت خلاصه ماجرا در حدّ سه الی چهار سطر است. کاتب این نسخه میرزا محمدحسین پسر میرزا محمدعلی بمرودی است. نسخه کتابخانه مجلس، شماره گذاری شده و با خطّ نستعلیق بسیار زیبا کتابت شده است. در صفحه آغازین نسخه، کاتب نام خود را آورده و تاریخ کتابت را ماه رجب سال ۱۳۰۶ هـ ق ذکر کرده است. کاتب، نام اثر را مقامات الحسینی من کلام میرزا محمداکبر منشی با ملحقات من کلام مذهب بمرودی دانسته، این نسخه از بیت اول مقامات حسینی را دارد و تا اول شهادت پسر مسلم ابن عوسجه (صفحه ۹۶) را محمدحسین بمرودی و از آنجا تا آخر نسخه را که ناتمام مانده و حدود ۱۰ صفحه خالی مانده، محمدحیدر بن غلامرضا بمرودی متخلص به مذهب شاعر و خوشنویس قرن سیزده هـ ق کتابت کرده است. مرحوم آقابزرگ تهرانی این نسخه و همچنین نسخه خطی دیوان مذهب را که در آن کتابخانه نگه‌داری می‌شود تورّقی کرده، ولی برداشت اشتباه از عبارت آغازین نسخه کرده‌اند. ایشان مذهب بمرودی را ادامه دهنده راه منشی بمرودی دانسته و در الدرّیعه آورده‌اند: مقامات را منشی برای احمدشاه درّانی به نظم آورده، ولی ناتمام ماند که مذهب بمرودی آن را تمام نمود. در صفحه پایانی نسخه شخصی به نام عباس روزه‌خوان جنابدی چند بیتی در رثای امام حسین (ع) را اضافه کرده که جزء ابیات مقامات حسینی نیست.

۳. نسخه دیگری از کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۲۳۴۲ در فهرست کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ثبت شده که دارای ۱۵۱ صفحه ۱۴ سطری و عناوین به رنگ قرمز کتابت شده است. کاتب این نسخه، ابوالحسن بن عبدالصیر الجوزانی، نام اثر را *جنگ نامه خامس آل عبا در زمین کربلا*، نهاده و به تبع او مؤلف فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس و دکتر محمدرضا راشد محصل در *نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی* (ص ۵۱) هم همین نام را بر این اثر گذاشته‌اند. این نسخه دارای آغاز و پایان مشخص و فاقد شماره‌گذاری است، ولی از بیت ۲۲۰۰ مقامات حسینی (به میدان رفتن عابس بن شیبب) شروع شده و قبل از آن کاتب ۳۵ بیت در وزن و قالب مقامات و در تمحید باری تعالی و منقبت پیامبر (ص) و امام علی (ع) کتابت کرده است که دو بیت آغاز آنها، دو بیت آغاز حمله حیدری باذل مشهدی است.

به نام خداوند بسیار بخش
خردبخش دین‌بخش دیناربخش
همه کار دنیا و دین کردگار
از این هر سه نعمت نمود آشکار

کاتب در ترقیمه تاریخ کتابت را سال ۱۳۰۷ (یا ۱۲۰۷) نوشته، ولی نام شاعر را ذکر نکرده. مؤلف فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس و دکتر راشد محصل در *نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی* با استناد به این دو بیت پایانی نسخه، نام شاعر را شعاع دانسته‌اند.

خدایا اگر هست تاب قبول
عطا کن چنانش شعاع وصول
شعاعش به عرش الهی رسد
ز مه پرتوش تا به ماهی رسد

این نسخه دارای جلد تیماج رنگی و جدول و حاشیه‌گذاری است، ولی نسبت به دیگر نسخ، اغلاط املائی بسیار زیادتری دارد. گویا کاتب دقت چندانی در کتابت نداشته است.

۴. نسخه متعلق به کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

این نسخه به شماره ۱۰۴۱ در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی ثبت شده و دارای ۲۷۶ صفحه ۱۵ سطری در ابعاد ۲۱/۵*۱۴ به خط نسعلیق است. عنوان‌ها به رنگ قرمز و جنس کاغذ آن فرنگی و جلد آن تیماج مشکی فرسوده است. این نسخه فاقد شماره‌گذاری است، ولی آغاز و انجام آن مشخص و دارای ترقیمه است. کاتب و مالک اولیه آن شیخ عباسقلی بن محمد بن عباس خراسانی قاینی است که نسخه را در ربیع‌الاول سال ۱۳۰۱ هـ ق در روستای سراب در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی قاین کتابت کرده است. کاتب احتمالاً از روی نسخه‌ای ناقص کتابت کرده، زیرا از اول منظومه حدود ۴۴ بیت کم دارد و آخر آن هم همانند نسخه کتابخانه مسجد گوهرشاد است. کاتب در صفحه آغازین نسخه نام شاعر را میرزا زکی ذکر کرده است. این نسخه سالیان متمادی نزد نوادگانش نگه‌داری می‌شده و بعداً به کتابخانه دانشکده انتقال داده شده است. این نسخه در بسیاری موارد همانندی‌هایی آشکار با نسخه کتابخانه مسجد گوهرشاد دارد.

۵. نسخه اول موزه مشاهیر قاین

در موزه مشاهیر قاین، سه نسخه خطی از مقامات حسینی منشی بمرودی نگه‌داری می‌شود که هر سه متعلق به کتابخانه حوزه علمیه شهر زهان (در فاصله ۸۰ کیلومتری قاین) بوده و جهت نگه‌داری صحیح و بازدید عموم به آنجا انتقال پیدا کرده است. نسخه اول به خط مرحوم میرزا محمدعلی بن ابوتراب بمرودی، خوشنویس معروف منطقه و پدر کاتب اول نسخه مجلس و از بستگان نوادگان شاعر است. این نسخه به شماره ۲۷۰ کتابخانه حوزه علمیه زهان بوده و کامل‌ترین و قدیمی‌ترین نسخه موجود از مقامات حسینی منشی است که میرزا محمدعلی ابن ابوتراب بمرودی آن را در سال ۱۲۹۴ هـ ق به توصیه آخوند مقدس زهانی پسر شاعر گران‌قدر میرزا محمدعلی قاصر زهانی و مدرس مدرسه علمیه کتابت کرده است. این نسخه از اولین بیت مقامات حسینی تا آخرین ابیات آن را که سه قطعه در توصیف و معرفی مقامات حسینی و ماده تاریخ اتمام سرودن آن است دربردارد. در پایان این نسخه، تعدادی قصیده و همچنین چند مثنوی به نام «نان و حلوا» هم بعد از منظومه مقامات حسینی از منشی کتابت شده است. در پایان این نسخه کاتب بعد از اشعار منشی بمرودی قصه بلوهر و یوداسف (به نثر) و مسندالاقاصیر محمدعلی گلپایگانی که آخر هر دوی آنها افتاده هم کتابت کرده است. احتمالاً دو متن مذکور در هنگام ترمیم نسخه‌های خطی کتابخانه جهت انتقال به موزه به این علت که کاتب آن‌ها همان کاتب مقامات حسینی بوده، با هم در یک مجموعه صحافی شده است. این نسخه به خط نستعلیق زیبایی نوشته شده و عنوان‌های آن به رنگ زعفرانی و فاقد شماره گذاری است. این نسخه دارای ۳۳۴ صفحه ۱۴ سطری به ابعاد ۱۱/۵*۲۲ است. کاتب تاریخ اتمام کتابت مقامات حسینی را شب سیزدهم شوال ۱۲۹۴ قمری نوشته است. کاتب غیر از مقامات حسینی منشی آثار زیادی از شعرا و نویسندگان منطقه را کتابت کرده است.

۶. نسخه دوم موزه مشاهیر قاین

کاتب و تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست، ولی از جنس کاغذ آن مشخص می‌شود که قدمت آن زیاد نیست. احتمالاً این نسخه هم در حوزه علمیه زهان کتابت شده باشد، زیرا از کتابخانه آنجا به موزه انتقال پیدا کرده است. این نسخه دارای ۲۳۰ صفحه ۱۵ سطری در ابعاد ۱۱/۵*۲۰ و درای جدول است، عنوان‌ها به رنگ بنفش کتابت شده، تعداد زیادی از صفحات آن افتاده و همچنین در موقع ترمیم و صحافی، اکثر صفحات کتاب نامرتب کنار هم قرار گرفته. این نسخه به خط نستعلیق کتابت شده و فاقد شماره گذاری است.

۷. نسخه سوم موزه مشاهیر قاین

این نسخه هم همانند نسخه دوم موزه در هیچ جای آن نام کاتب و تاریخ کتابت آن نوشته نشده ولی سعیدزاده مؤلف بزرگان قاین نام کاتب این نسخه را میرزا عبدالله بن ملا محمدعلی بمرودی گفته، که در روز یکشنبه اول ذی‌قعدة (بدون ذکر سال) کتابت را به انجام رسانده است. این نسخه به شماره ۲۷ کتابخانه حوزه علمیه زهان بوده است. این نسخه دارای ۱۹۳ صفحه ۲۰ سطری به ابعاد ۹/۵*۱۶/۵ است و عناوین به رنگ قرمز کتابت شده است. از ابتدا و انجام آن حدود پنج تا شش صفحه افتاده است. کاتب گویا خط خوشی

نداشته یا با دقت و حوصله آن را کتابت نکرده است، زیرا خواندن تعداد زیادی از ابیات آن مشکل است.

۸. نسخه متعلق به خانواده مرحوم حاج میرزا هادی احمدی بمرود

این نسخه متعلق به خانواده مرحوم حاج میرزا هادی احمدی بمرود مدّاح و ذاکر اهل بیت و از بستگان نوادگان شاعر است. این نسخه دارای ۲۱۰ صفحه ۱۹ سطری است و عناوین با رنگ زعفرانی کتابت شده و به قطع خشتی است. کاتب این نسخه عموی مالک (مرحوم احمدی) است. نام او میرزا محمدعلی ابن میرزا حسن بمرودی است و تاریخ کتابت را در صفحه ۱۴۳، سال ۱۳۰۷ (شاید هم ۱۳۲۰ هـ ق) نوشته است. این نسخه به خط نستعلیق بسیار زیبا و خوانا نوشته شده و شماره‌گذاری شده ولی ناقص است و از ابتدای آن چهار صفحه و از انتهای آن هم چهار بیت پایانی منظومه و سه قطعه پایانی افتاده است. این نسخه همانندی‌هایی آشکار با نسخه اول موزه مشاهیر قاین دارد. مالک در بسیاری از صفحات نام خویش و در یک جا هم نام کاتب را نوشته است.

۹. نسخه متعلق به نوادگان شاعر

این نسخه متعلق به نوادگان شاعر است که دارای ۲۳۸ صفحه ۱۶ سطری و به قطع خشتی است. سعیدزاده، مؤلف بزرگان قاین، کاتب این نسخه را مذهب بمرودی دانسته. نسخه فاقد شماره‌گذاری است و عناوین با رنگ بنفش کتابت شده. خط آن بسیار زیبا ولی نسخه ناقص است و از ابتدای آن حدود صد بیت و از انتهای آن حدود هشتصد بیت افتاده است. کاتب این نسخه همان کاتب دوم نسخه مجلس است. کاتب از شاعران و خوش‌نویسان قرن سیزده هـ ق است. او از مقلدان و پیروان سبک شعری مرحوم منشی بمرودی بوده. او منظومه‌ای حماسی در مورد حضرت عباس (ع) در قالب و وزن مقامات حسینی سروده است. نسخه خطی دیوان غزلیات او در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نسخه‌ای کامل از دیوانش که شامل غزلیات، قطعات، قصاید و مثنوی حماسی اوست در مشهد به دست نوه‌اش نگهداری می‌شود. او اشعار زیادی در رثای امام حسین (ع) و دیگر ائمه به تقلید و پیروی از مرثی منشی سروده است؛ همچنین اشعار زیادی در ولادت ائمه (ع) هم سروده که در گذشته توسط پسرش و دیگران در ولادت‌های مختلف در حسینیه روستا خوانده می‌شده است. او در سنین پیری دار فانی را وداع گفت و کنار قبر منشی به خاک سپرده شد.^{۱۰}

نتیجه‌گیری

حماسه‌های دینی، بخشی از حماسه‌های تاریخی ما را در زبان فارسی تشکیل می‌دهند و شعرای زیادی در این سرزمین از گذشته تاکنون در مورد نبردها و داستان زندگی شخصیت‌های مختلف ملی و دینی به تقلید از شاهنامه فردوسی، منظومه‌های حماسی مختلفی سروده‌اند. درباره قیام عاشورا نیز در اعصار مختلف، به‌ویژه عصر صفوی، مرثیه‌های زیادی سروده شده است. بخش زیادی از آثار مربوط به حادثه کربلا کتاب‌هایی با عنوان *مقتل‌الشهدا* و به اختصار *مقاتل هستند*، اما از این میان *مقتل ابومخنف* از اعتبار و مقتل ملاحسین واعظ کاشفی با نام *روضه‌الشهدا* به فارسی از شهرت بیشتری برخوردار است. منشی بمرودی هم

با تکیه بر مقتل کاشفی، مقامات/الحسینی را به نظم درآورده و با پیروی از شاهنامه فردوسی، بدان لحنی حماسی بخشیده است و این امتیازی است که مقامات/الحسینی را از سایر آثار منظوم و منثور مشابه خود جدا می‌کند؛ رویکردی که با روایات قهرمانی و پهلوانی و دلاوری‌های قوم ایرانی سازگارتر است و می‌تواند عنصری ملی در همه دوره‌ها محسوب شود. این رویکرد منشی را در مرتبه نخست ناشی از تأثیر حماسه ملی (شاهنامه) بر مقامات دانسته، در مرتبه بعدی باید نتیجهٔ رفت و آمد با دربار پادشاهان افشاری و روحیه جنگاوری و کشورگشایی آنها نیز دانست. پس این منظومه اولین اثر حماسی شیعی دربارهٔ حادثه کربلا و در واقع نقطه عطفی بر مقتل نویسی و مقتل سرایی در زبان فارسی است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مرثیه کسایی با این ابیات شروع می‌شود:

باد صبا درآمد فردوس گشت صحرا	آراست بوستان را نیشان به فرش دیبا
دست از جهان بشویم، عزّ و شرف نجویم	مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی راه فرزند مرتضی را	مقتول کربلا راه، تازه کنم توّلاً
	(ریاحی، ۱۳۶۷:۲۵)

۲. مرثیه او با این اشعار شروع می‌شود:

پسر مرتضی، امیر حسین	که چنویی نبود، در کونین
اصل و فرعش، همه وفا و صفا	عفو و خشمش، همه سکون و رضا
حبّذا کربلا و آن تعظیم	کز بهشت آورد به خلق تعظیم
	(سنایی غزنوی: ۲۶۶)

۳. این منظومه به علی بن طاهر از اشراف ناحیه سیزوار تقدیم شده است. تنها یک نسخه از این اثر باقی مانده که محمد بن محمود مسعود المعدم التستری در قرن هشتم هجری کتابت کرده و در کتابخانه موزه قونیه در ترکیه نگهداری می‌شود. منظومه با این ابیات آغاز می‌شود:

اگر چند هست این سخن آشکار	به نزد صغار و به نزد کبار
و لیکن چو من برنزد هیچ کس	در این قصّه در نظم گفتن نفس
تو بشنو کنون کز پس مصطفی	ز شهت که بد کرد با مرتضی
	(ربیع، ۱۳۹۰: ۲)

شاعر در حقیقت علی‌نامه را در جواب و مقابله با شاهنامه فردوسی سروده است. او اساس شاهنامه را از سوی دروغ می‌داند و از سوی پرداخته مکر کرامیان، ولی اعتراف می‌کند که زبانی نغز و دلکش دارد.

مر این قصه را این سراینده مرد
اگر چند شهنامه نغز و خوش است
علی نامه خواند خداوند هوش

ز مهر دل خود علی نامه کرد
ز مغز دروغ است از آن دلکش است
ندارد خرد سوی شهنامه گوش
(همان: ۵)

۴. تمام ابیات در این مقاله از نسخه موزه مشاهیر قاین که به عنوان چهارمین دست‌نویس معرفی شد، آورده شده است.

۵. داستان بدین صورت است: رستم‌الحکما - مؤلف این کتاب - می‌گوید: نواب میرسیدحسن صفوی مرحوم، از برای این طالب حق، حکایت نمود که مدتی در دارالضیافه والاجاه، احمد پادشاه مذکور، مهمان بودم به عرض آن والاجاه رساندند که «در شهر قائن، شاعری خلفای راشدین و اکابر مذهب اهل سنت و پادشاه والاجاه و اهل و عیال و اولاد و احفاد و وزرا و امرا و باشیان و مقربین درگاهش را هجو فاحشی نموده». امر فرمود آن شاعر را حاضر نمودند.

آن پادشاه دادگر، بر تخت پادشاهی برنشست و وزرا و امرا و مقربین درگاه و عمله‌جات، به ترتیب و نظام، هر کسی به جای خود ایستاد. آن والاجاه شاعر مذکور را به پیشگاه، طلب فرمود و امر فرمود به وی که «هجونامه را برخوان»

شاعر مذکور، از روی خوف، نتوانست ایستاد. زانوهایش از تشویش، سست شده، بر زمین افتاد. آن والاجاه فرمود که «ای شاعر، مترس و مشوش مباش. به چهار یار بزرگوار قسم که به سبب هجو، تو را نه می‌کشم و نه آزار خواهم نمود و اگر اشعار هجو را خوب گفته‌ای، جایزه و انعامت می‌دهیم و اگر بد گفته‌ای، همان طومار هجونامه را می‌فرماییم به دهانت بتپانند و بر سرت بزنند تا بلع نمایی.»

شاعر مذکور، شروع نمود به خواندن هجونامه، از اول تا آخر. و آن پادشاه پرحوصله، با جمعیت حواس، به دقت تمام، همه را استماع فرمود. چون اشعار هجونامه، همه، آب‌دار و استادپسند بود و والاجاه، احمدپادشاه صاحب کمالات و علوم و فضایل حسن اخلاق و در خوش صورتی و نیک سیرتی، در زمانه، طاق و وحید آفاق بود و شعرفهمی بی‌نظیر بود، به آن شاعر مذکور، تحسین و آفرین بسیار فرمود. و فرمود او را سراپا به خلعت گران‌مایه و مبلغ صدتومان نقد، خوش‌دل و مفتخر نمودند.

در وقت خواندن هجونامه، امرا و صناید اهل سنت، از روی غیظ، همه، دست‌ها بر قبضه شمشیر و خنجر، انتظار می‌کشیدند که اگر شاه، اشارتی بفرمایند به قتل آن شاعر مذکور، آن شاعر را پاره پاره کنند. چون دیدند که آن شاعر، مقرون به الطاف و احسان و انعام پادشاهی شد، مأیوس شدند.

آن پادشاه والاجاه دادگستر، آن شاعر را بعد از احسان و انعام، پرسید که «تو بر بدی خلفای راشدین که هزار و صد و هشتاد سال از زمان ایشان گذشته، کجا اطلاع یافته‌ای؟ لعنت خدا بر تو باد. جزای تو را به خدای دادگر واگذاریم.» و آن شاعر را به یک غلامی سپرد و فرمود: «او را به شهر قائن و به دست حاکم آن بسپار و از حاکم قائن، قبض وصولی بگیر و از برای ما بیاور.» چنین شد. (ص ۲۴۱)

۶. البته در تقدیم این اثر به احمدشاه ابدالی هم خود جای تردید است و سندی بر آن نیست، هرچند مدح

وی در ابتدای آن آمده، زیرا او سنّی مذهب بوده، ولی مقامات حسینی منظومه حماسی شیعی است و در آن معاویه و پسرش و دیگر اطرافیانش مورد لعن و نفرین شاعر قرار گرفته‌اند. دیگر اینکه منشی در هنگام سرودن این منظومه در سنین پیری و کهنسالی بوده و از امورات سیاسی و دنیوی کناره گرفته و نیازی به پادشاه و انعام و احترام نزد امرا و شاهان نداشته و دلیلی نداشته تا اثرش را به شاه یا حاکمی خاص (احمدشاه ابدالی یا شاهرخ میرزا افشار) هدیه کند.

۷. در بیت «بیامد تهمتن بگسترده بر / به خواهش بر شاه خورشید فر» که بعضی آن را متأثر از «و احفَضَ لَهْمَا جِنَاحُ الَّذِي مِنَ الْحَمَّة» دانسته‌اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۴۵۸)

۸. مسلم است که عنصر اغراق در کنار دیگر صور خیال یکی از نیرومندترین عناصر القاء در اسلوب بیان هنری است و زمینه‌ی کلی و عمومی بسیاری از شاهکارهای ادب فارسی به خصوص شاهنامه فردوسی را تشکیل می‌دهد. بعضی از ناقدان معاصر کوشیده‌اند این روحیه را حاصل شیعی بودن او بدانند و اینکه اساس عقاید شیعه بر غلو است اگر چنین باشد انتشار شیعه و عقاید شیعی را در قلمرو زبان فارسی شاید بتوان یکی از عوامل گسترش مبالغه و اغراق دانست. (همان: ۱۳۷)

۹. مثال‌های دیگر:

اگر چه در این دور اهریمنی
که داند به جز خالق مهر و ماه
نباشد ز نیرنگ چرخ ایمنی
به ظاهر ندارد قصوری دگر
۱۰. برای اطلاع بیشتر از احوال مذهب بمرودی، ر.ک: تاریخ و مشاهیر قاینات، ص ۲۸۵؛ بزرگان قاین، ص ۳۴۲ و الذریعه الی تصانیف‌الشیعه، ج ۹، ص ۱۰۲۵.

منابع

۱. آیتی، محمدحسین، بهارستان (در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان)، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
۲. آصف، محمدهاشم، رستم‌التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۳. تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف‌الشیعه، بیروت، انتشارات دارالاضواء بیروت، ۱۳۳۸.
۴. حجازی، سید علی‌رضا، «سیر تاریخی شعر شیعه در حماسه عاشورا»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۳۸۶، ص ۹۷-۱۳۵.
۵. حسینی، سید احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۵۴.
۶. خاموش یزدی، میرزا علی‌خان، شهنشاهنامه حسینی، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس، شماره ۱۱۷۳۸.
۷. دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۴۸.

۸. خیامپور، عبدالرسول، فرهنگ سخنوران، جلد ۱، تبریز، انتشارات شرکت آذربایجان، ۱۳۴۰.
۹. راشد محصل، محمدرضا، نام شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی، مشهد، انتشارات به نشر، ۱۳۸۹.
۱۰. ربیع، علی‌نامه، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
۱۱. رجبی، نجیب‌الله، تاریخ و مشاهیر قاینات، تهران، انتشارات شهرآشوب، ۱۳۹۰.
۱۲. رزمجو، حسین، قلمرو ادبیات حماسی ایران، جلد ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۳. ریاحی، محمدامین، کسایی مروزی؛ زندگی و اندیشه و شعرا، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۷.
۱۴. زنگویی، حسین، شاعران خراسان جنوبی، تهران، نشر روزگار ۱۳۸۸.
۱۵. زهانی قاینی، میرزا محمدعلی؛ دیوان، نسخه خطی موزه مشاهیر قاین.
۱۶. سعیدزاده، سیدمحسن، بزرگان قاین، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۶۹.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال سی و سوم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۹، ص ۴۹۱-۴۲۵.
۱۸. شعاعی، محمد حسین، دیوان، نسخه خط کتابخانه و مرکز اسناد ملی ایران، شماره ۹۷۰ ف.
۱۹. شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۸۴.
۲۰. صفا، ذبیح‌الله، گنج سخن، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. صفی‌زاده، صدیق، تاریخ پنج هزار ساله ایران، جلد ۲، تهران، انتشارات آرون، ۱۳۸۵.
۲۲. فاضل، محمود، فهرست نسخه‌های خطی دانشکده الهیات مشهد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
۲۳. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، بر اساس چاپ مسکو، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۴.
۲۴. قایناتی، ضیاء‌الدین، تذکره شعرای قهستان، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۳۰۱۲.
۲۵. کاتب، فیض‌محمد، سراج‌التواریخ، کابل، مطبعه حروفی دارالسلطنه، ۱۳۳۱.
۲۶. کاشفی سبزواری، ملاحسین، روضه‌الشهدا، به کوشش شیخ ابوالحسن شعرانی، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۷. منشی بمرودی، محمداکبر، مقامات حسینی، نسخه‌های خطی موزه مشاهیر قاین.
۲۸. _____، _____، نسخه خطی کتابخانه مسجد گوهرشاد.
۲۹. _____، _____، نسخه‌های خطی کتابخانه و مرکز اسناد مجلس.
۳۰. _____، _____، نسخه خطی کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی.
۳۱. مذب بمرودی، دیوان، نسخه خطی متعلق به نوادگان شاعر.
۳۲. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی.
۳۳. جنگ مرثی شعرای بمرود، نسخه خطی متعلق به آقای فقیهی.
۳۴. جنگ مرثی منشی بمرودی، نسخه خطی متعلق به آقای احمدی.
۳۵. جنگ نوحه‌های چند تن از شعرای قاینات، نسخه خطی متعلق به موزه مشاهیر قاین.